



## جشن مهرگان، تا به امروز

در روزشمار کهن ایران، هریک از سی روز ماه را نامی است که نام دوازده ماه سال نیز در میان آنها است. پیشینیان در هر ماه که نام روز و نام ماه یکی بود، آنرا جشن می‌گرفتند. این جشن‌های دوازده‌گانه - که نام ماه و پسوند «گان» داشتند - در روزهای ۱۹ فروردین (فروردینگان) و بر همین روال ۳ اردی‌بهشت، ۶ خرداد، ۱۳ تیر، ۷ مرداد، ۴ شهریور، ۱۶ مهر، ۱۰ آبان، ۹ آذر، ۸ و ۱۵ و ۲۴ دی‌ماه (سه‌روز هرماه «دی» نام دارد)، ۲ بهمن و ۲۹ اسفند برگزار می‌شد.

از این جشن‌های دوازده‌گانه، تا آنجا که سندها و کتابهای تاریخی گواه است، در دوره‌های پس از اسلام، تنها جشن مهرگان است که رسمی و شکوه‌مند برگزار می‌گردید. افزون بر یکی بودن نام - روز مهر از ماه مهر - مناسبت دیگری را نیز برای برگزاری این جشن بر می‌شمردند که معروف‌ترین آن قیام کاوه آهنگر و پیروزی برضحاک و به پادشاهی نشستن فریدون است. دقیقی و فردوسی و اسدی طوسی از آن چنین یاد کرده‌اند:

دقیقی گوید:

مهرگان آمد جشن ملک افریدونا / آن کجا گاو به پروردش برمایونا<sup>۱</sup>  
و فردوسی در داستان به بند کردن ضحاک آورده است:  
فریدون چو شد بر جهان کامکار / ندانست جز خویشتن شهریار

---

۱. سی‌نام روزهای ماه عبارتند از: اورمزد - بهمن - اردی‌بهشت - شهریور - سپندارمذ - خرداد - امرداد - دی به‌آذر - آذر - آبان - خور - ماه - تیر - گوش - دی به‌مهر - مهر - سروش - رشن - فروردین - ورهرام - رام - باد - دی به‌دین - دین - اِرد - اشتاد - آسمان - زامیاد - مانتره‌سپند و اتارام. در زمان فردوسی این نام‌ها رایج بوده است: سرآمد کنون قصه یزدگرد / به‌ماه سپندارمذ (اسفند)، روزِ اِرد.  
۲. برمایون نام گاوی است که فریدون با شیرش پرورش یافت.

به روز خجسته سر مهر ماه به سر بر نهاد آن کیانی کلاه

.....

کنون یادگار است از او ماه مهر بکوش و برنج، ایچ منمای چهره<sup>۱</sup> و اسدی طوسی در انتساب این جشن به فریدون گوید:

فریدون فرخ به گرز نبرد زحاک تسازی برآورد گرد  
چو در برج شاهین شد از خوشه مهر نشست او به شاهی سر ماه مهر  
برآرایش مهرگان جشن ساخت به شاهی سیر از چرخ مه بر فراخت<sup>۲</sup>  
ابوریحان بیرونی در التفهیم می نویسد:

مهرگان، شانزدهم روز است از مهرماه و نامش مهر، اندرین روز، افریدون ظفر یافت بر بیورسب جادو، انک معروف است به ضحاک، و به کوه دماوند باز داشت. و روزها که سپس مهرگان است همه جشنند، بر کردار آنچ از پس نوروز بود...<sup>۳</sup> و نیز در آثارالباقیه<sup>۴</sup> آورده است که:

«سلمان فارسی می گوید، ما در عهد زردشتی بودن می گفتیم، خداوند برای زینت بندگان خود یاقوت را در نوروز و زبرجد را در مهرگان بیرون آورد. و فضل این دو روز بر روزهای دیگر مانند فضل یاقوت و زبرجد است بر جواهرهای دیگر (...). و بیوراسب هزار سال زندگی کرد. اینکه ایرانیان به یکدیگر، دعا می کنند که: «هزار سال بزی» از آن روز رسم شده است، چون دیدند که ضحاک توانست هزار سال عمر کند و این کار در حد امکان است، هزار سال زندگی را دعا و آرزو کردند.<sup>۵</sup>

مورخان، نویسندگان و شاعران، از برگزاری جشن مهرگان نیز - مانند جشنهای کهن دیگر - در دستگاه پادشاهان و حاکمان خبر می دهند. از جمله در پیش از اسلام آمده که: این عید مانند دیگر اعیاد برای عموم مردم است. از آئین ساسانیان در این روز این بود که تاجی را که به صورت آفتاب بود به سر می گذاشتند و در این روز برای ایرانیان بازاری برپا

۱. شاهنامه، جلد اول.

۲. گرشاسب نامه اسدی به اتمام حبیب یغمائی، کتابخانه طهوری ۱۳۵۴، ص ۳۶۶.

۳. التفهیم لاوائل صناعه التنجیم تألیف ابوریحان بیرونی تصحیح استاد جلال الدین همائی، انتشارات انجمن آثار ملی، سال ۱۳۵۷، ص ۲۵۴.

۴. آثارالباقیه، تألیف ابوریحان بیرونی، ترجمه اکبر داناسرشت، انتشارات امیرکبیر، سال ۱۳۶۳، ص ۳۳۸.

۵. آثارالباقیه، ص ۳۴۰.

می‌شد.<sup>۱</sup>

«و در ملوک خراسان رسم است که در روز مهرگان به سپاهیان و ارتش رخت پائیزی و زمستانی می‌دهند.»<sup>۲</sup>

از برگزاری جشن مهرگان، در دوره غزنویان، آگاهی بیشتری در دست است، در شعر فردوسی، عنصری، فرخی و منوچهری وصف این جشن آمده؛ ابوالفضل بیهقی از برگزاری جشن مهرگان در زمان سلطان مسعود غزنوی، در سالهای ۴۲۸ و ۴۲۹ و ۴۳۰ ه. ق که خود شاهد بوده، خبر می‌دهد.

وی می‌نویسد:

«روز یکشنبه چهارم ذی‌الحجه سال ۴۲۸ (ه. ق) به جشن مهرگان نشست و از آفاق مملکت هدیه‌ها که ساخته بودند پیشکش را، در آن وقت بیاوردند و اولیاء و حشم نیز بسیار چیز آوردند. و شعرا شعر خواندند و صلت یافتند. (...) پس از شعر به سر نشاط و شراب رفت و روزی خرم به پایان آمد.<sup>۳</sup>

در سال ۴۲۹، ابوالفضل بیهقی، شیوه برگزاری جشن مهرگان را در روز عرفه بیان می‌کند:

«... و روز چهارشنبه نهم ذی‌الحجه به جشن مهرگان به نشست و هدیه‌های بسیار آوردند و روز عرفه بود. امیر روزه داشت و کس را زهره نبود که پنهان و آشکارا نشاط کردی و دیگر روز عید اضحی کردند»<sup>۴</sup> وی همچنان از مهرگان سال ۴۳۰ و شرح برگزاری آن سخن می‌گوید!<sup>۵</sup>

مهرماه و فروردین ماه که به ترتیب آغاز اعتدال پائیزی و اعتدال بهاری است، و در آن روز و شب برابر، زمانی هردو را، به عنوان آغاز سال جشن می‌گرفتند:

«... و برخی مهرگان را بر نوروز برتری داده‌اند، چنانکه پائیز را بر بهار برتری داده‌اند. و تکیه‌گاه ایشان این است که اسکندر از ارسطو پرسید که کدام یک از این دو فصل بهتر است ارسطو گفت: پادشاهها در بهار حشرات و هوام آغاز می‌کنند که نشو یابند و در پائیز آغاز ذهاب آنهاست. پس پائیز از بهار بهتر است.»<sup>۶</sup>

۱. آثارالباقیه، ص ۳۳۷

۲. آثارالباقیه ص ۳۳۹.

۳. تاریخ بیهقی، تألیف ابوالفضل بیهقی، تصحیح دکتر غنی و دکتر فیاض تهران، ۱۳۲۴، ص ۶۹۷.

۴. تاریخ بیهقی (همان)، ص ۷۳۵

۵. تاریخ بیهقی (همان)، ص ۷۹۰

۶. آثارالباقیه (همان)، ص ۳۳۹.

درخور توجه است که ابوریحان بیرونی، نقل‌کننده این مطلب، خود هر دو را جشن می‌گرفته است. شهرزوری درباره وی می‌نویسد:

«... دست و چشم و فکر او (ابوریحان) هیچگاه از عمل باز نماند، مگر به روز نوروز و

مهرگان و یا برای تهیه احتیاجات معاش.»<sup>۱</sup>

از دوران کهن، همراه با جشن‌ها و آیین‌ها، واژگان فارسی نوروز و مهرگان به صورت معرب «نیروز» و «مهرجان» وارد زبان و قلمرو فرهنگی کشورهای مسلمان عرب‌زبان گردید. امروز در بسیاری از این کشورها - آسیائی و آفریقائی - واژه مهرجان به معنی و مفهوم جشن و «فستیوال» بکار می‌رود.

### در زمان حاضر:

امروز، جشن مهرگان، به شیوه‌ای که در کتاب‌های تاریخی، سده‌های چهارم، پنجم و ششم آمده نه در دستگاه دولتی و حکومتی برگزار می‌شود و نه در گردهمایی‌های غیررسمی، نزد عامه مردم. دست‌کم، در دو سده اخیر نیز از برگزاری آن آگاهی در دست نیست.

جشن و آیین مهرگان، از نظر زمانی نیز، با تغییر تقویم، در سال ۱۳۰۴ هجری شمسی، تغییر کرد. بدین معنی که ۵ روز «پنجه = خمسه» (که پس از ۱۲ ماه سی‌روزه برای رسیدن به ۳۶۵ می‌آمد) حذف و ۶ ماه اول سال ۳۱ روز گردید. از آن پس، در بسی تقویم‌ها، مهرگان، بجای ۱۶ مهر در ۱۰ مهر، آمده، یعنی در صد و نود و ششمین روز سال براساس تقویم پیشین.

در ماهنامه‌ها و هفته‌نامه‌های ادبی و اجتماعی سده اخیر، مهرگان حضور دارد. بدین معنی که مقاله، پژوهش شعراً به مناسبت مهر و مهرگان - به‌ویژه در نشریه‌هایی که در ماه مهر منتشر می‌شود، کم نیست.<sup>۳</sup>

دکتر بهرام فره‌وشی از برگزاری مهرگان، به عنوان جشنی خانوادگی، در بین زردشتیان

۱. نقل از لغت‌نامه دهخدا

۲. .... گرم هرکار، مست هر پندار / همره هر پیام، هر سوگند / در دل هر نگاه، هر آواز / بسرائیم:

مهرگان خوش باد. (کتاب شبگیر سروده ه.ا. سایه، انتشارات توس، ۱۳۶۰، ص ۱۸).

۳. در مجموعه «فهرست مقاله‌های مردم‌شناسی» از انتشارات مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی دانشگاه تهران، سال ۱۳۵۶، نام و مشخصات بیست مقاله در مجله‌های ماهانه یا هفتگی، داده شده که درباره و به مناسبت جشن مهرگان نوشته شده است.

یزد و کرمان و «از آیین قربانی کردن گوسفند، در برخی از روستاهای زردشتی نشین یزد، برای یزد مهر» خبر می دهد.<sup>۲</sup>

تاسی سال پیش، زردشتیان کرمان، در این روز، بیاد مردگان، مرغی را کشته و شکمش را با حیویات و آلو انباشته و به عنوان خوراک ویژه، یادمان مردگان<sup>۳</sup>، می پختند.<sup>۴</sup> جشن آغاز سال تحصیلی دانشگاه تهران، که در نیمه اول مهرماه است، برخی از سالها در دهم یا شانزدهم مهر (مهرگان) برگزار می شد. زمان برگزاری آئین قالی شویان در مشهد اردهال را، جلال آل احمد، با مهرگان، هم پیوند، می داند.<sup>۵</sup>

صدرالدین عینی در یادداشت‌ها، از جشنی در تاجیکستان و سمرقند، یاد می کند، که هر سال در ماه میزان (مهرماه) برگزار می شد. جشنی که می تواند، با همه دگرگونی‌ها، بازمانده جشن مهرگان باشد. از زبان او بشنویم، که فارسی تاجیکی است:

«... حکایت این سیر (جشن) به کسانی که وی را ندیده‌اند، مانند حکایه‌های «هزار و یک شب» دلکش و عجیب می نمود. حکایه‌هایی درباره طربازی (آتش‌بازی)، موشک‌بازی، خرتازی، تگل‌جنگ‌اندازی (به جنگ انداختن قوچهای جنگی) آنجا می کردند. در ریان (منطقه) غجدوان کم کس یافت می شد، که هیچ نباشد، سالی یک بار رفته، آن سیر را تماشا نکند. دهقان بچگان کم بغل (تنگ‌دست) هم، که پدرشان برای سیر خرجی داده نمی توانستند، کوشش می کردند، که کاری کرده، دو سه تنگه (واحد پول) پول یابند تا که به آن سیر رفته، تماشا کرده توانند. کسانی نیز پخته (پنبه) و خوره چینی می کردند. به خربزه کشانی و دهقانان بای (اریاب) به مردکاری می درآمدند. و اگر هیچ کار نیابند از

---

۱. قربانی کردن در دین زردشتی منع شده: «رسم غیر مذهبی و غیر انسانی قربانی کردن گوسفند، قدغن شده و گفته‌اند و گفته‌اند که روان آشورزدشت از آنها بیزار است، ولی عده‌ای حاضر نیستند از این کار دست بکشند.» (آیین برگزاری جشن‌های ایران باستان، نگارش موبد اردشیر آذرگشسب مهرماه ۱۳۵۶، ص ۲۱ و ۲۲).

۲. جهان فروری، تألیف دکتر بهرام فره‌ورشی، انتشارات کاویان، سال ۱۳۶۴، ص ۹۴ و ۹۵.

۳. آقای اردشیر فرهمند (دبیر) اظهار می دارد که تا مادرم زنده بود، این خوراک ویژه یادمان مردگان را می پخت.

۴. ابوریحان بیرونی از گفته موبدی نقل می کند که: «در روز مهرگان آفتاب میان نور و ظلمت طلوع می کند و ارواح را در اجساد می میراند و بدین جهت ایرانیان این روز را میرگان گفته‌اند» (آثارالباقیه، همان، ص ۳۳۸).

۵. به مقاله «مهرگان در اردهال» از کتاب ارزیابی شتاب‌زده، مجموعه مقاله از جلال آل احمد، انتشارات امیرکبیر ۱۳۵۷، نگاه کنید.

کشتزارها درز می‌کردند. و مانند این‌ها.»<sup>۱</sup>

ماه مهر و مهرگان، در جامعه کشاورزی، فصل و زمان برداشت، انباشتن فرآورده‌ها، پرداختن خراج و مالیات، اندوختن نیازمندیهای زمستانی و گرمی بازارهای موسمی بوده که هنوز - هرچند نه بنام مهرگان - برگزار می‌شود. و نیز با تحول و دگرگونی که با گذشت سده‌ها و هزاره‌ها، در برگزاری جشن‌ها و آئین‌ها - مانند همه پدیده‌ها و زمینه‌های فرهنگی - روی داده و می‌دهد. جشن مهرگان تنها به این عنوان که نام روز با نام ماه یکی است برگزار نمی‌شود. بلکه بیشتر، داستان و اسطوره قیام کاوه آهنگر در برابر بیدادگریهای ضحاک است که یادمان این جشن نمادین می‌باشد. بی‌گمان، باور و اعتقاد به ایزد مهر و آیین‌های مهری (میتراثی) که از پیش از زردشت، در هند و ایران وجود داشته، به ماه مهر و جشن مهرگان سیمای دینی بیشتری افزوده بود.

\*\*\*

### منبع‌های مورد استفاده در جستار «جشن مهرگان» به ترتیبی که در متن آمده:

- شاهنامه فردوسی جلد اول، داستان فریدون.
- گرشاسب‌نامه اسدی به‌اهتمام حبیب یغمائی، کتابخانه طهوری، ۱۳۵۴.
- التفهیم لاوائل صناعت‌التنجیم، تألیف ابوریحان بیرونی تصحیح استاد جلال‌الدین همائی، انتشارات انجمن آثار ملی ۱۳۵۷.
- آثارالباقیه تألیف ابوریحان بیرونی، ترجمه اکبر داناسرشت، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۶۳.
- تاریخ بیهقی تألیف ابوالفضل بیهقی، تصحیح دکتر غنی و دکتر فیاض تهران، ۱۳۲۴.
- فهرست مقاله‌های مردم‌شناسی، انتشارات مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی دانشگاه تهران، ۱۳۵۶.
- آئین برگزاری جشن‌های ایران باستان نگارش مؤبد اردشیر آذرگشسب ۱۳۵۶.
- جهان فروری تألیف دکتر بهرام فره‌وشی، انتشارات کاویان، سال ۱۳۶۴.
- مقاله «مهرگان در اردهال» از کتاب ارزیابی شتاب‌زده (مجموعه مقاله)، از جلال آل‌احمد، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۵۷.
- یادداشت‌ها، تألیف صدرالدین عینی، به کوشش علی‌اکبر سعیدی سیرجانی، انتشارات آگاه، ۱۳۶۲.

۱. یادداشت‌ها، تألیف صدرالدین عینی، به کوشش سعیدی سیرجانی، انتشارات آگاه، ۱۳۶۲، ص